

مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد (علمی- پژوهشی)، شماره ۱۵۹- زمستان ۱۳۸۶

دکتر سید مهدی زرقانی (استادیار دانشگاه فردوسی مشهد)
محبوبه عباسپور نوغانی (دانشجوی کارشناسی ارشد)

بررسی محتوایی شعر کودک در دهه هفتاد (گروههای سنی الف، ب و ج)

چکیده

موضوع اصلی مقاله، بررسی محتوایی شعر کودک در دهه هفتاد است. بدین منظور ابتدا مجموعه اشعار منتشر شده در این دهه را مورد بررسی و مطالعه دقیق قرار دادیم. مجموعه مضامین موجود در شعر این دوره، در شش محور اصلی خلاصه شد: مضامین طبیعت گرایانه، مضامین سرگرم کننده و لذت بخش، مضامین سیاسی-اجتماعی، مضامین دینی، مضامین آموزشی-علمی و مضامین تربیتی-اخلاقی. سپس در صدد برآمدیم که فراوانی هر مضمون را در شعر این دهه مشخص کنیم و در عین حال فراوانی هر موضوع را در اشعار گروههای سنی «الف»، «ب» و «ج» مشخص کردیم. سپس به سراغ هر دسته از مضامین رفتیم و سعی کردیم با یافتن معیارهای علمی، نقاط ضعف و قوت اشعار را مشخص کنیم. این مقاله به ما نشان می‌دهد که شعر دهه هفتاد از جهت محتوایی چه وضعیتی دارد.

کلید واژه‌ها: ادبیات کودک و نوجوان، شعر کودک، درونمایه شعری، نقد و بررسی.

۱. درآمد

بخلاف دپارتمانهای ادبی در دانشگاههای ایران که تاکنون رویکرد جدی به ادبیات کودکان و نوجوانان ندارند، یکبار جستجوی ساده اینترنتی نشان می‌دهد که بسیاری از محافل علمی و دانشگاهی دیگر کشورهای جهان برای این شاخه از آفرینشها و تحقیقات ادبی اهمیت فراوانی قائل می‌شوند. شمارگان شگفت آور انتشار آثار ادبی کودک و نوجوان در ایران از یکسو و وجود جمعیت چند میلیونی کتاب خوان در سنین کودکی و نوجوانی از سوی دیگر، ایجاب می‌کند که محافل دانشگاهی و علمی جدی تر به این بخش از ادبیات پردازند.

درباره چپستی و کارکرد ادبیات و به‌طور خاص شعر کودک و نوجوان اظهار نظرهای متفاوتی شده است (از جمله بنگرید به ایمن و دیگران، ۱۳۵۴: ۳-۱، آقایاری، ۱۳۷۵: ۲۴، محمدی، ۱۳۷۸: ۱۳، شورای کتاب کودک، ۱۳۷۲: ۱۲۶، ابراهیمی، ۱۳۶۳: ۱۰ و جعفرقلیان، ۱۳۷۷: ۱۰-۱۱). بیشتر این اظهار نظرها نگاهی غیر زیبایی شناسانه و عمدتاً غیر ادبی به موضوع دارند و ادبیات را به منزله ابزاری در خدمت تعلیم و تربیت می‌دانند؛ به‌طوری که وجه هنری در این نظریات تحت‌الشعاع وجه کارکردی قرار گرفته است. این وضعیت بر آفرینش آثار ادبی هم تأثیر داشته است و ما با حجم زیادی از آثار ادبی رو به رو می‌شویم که جنبه هنری در آنها چندان قابل توجه نیست.

پرداختن مفصل‌تر به این موضوع مجال دیگری می‌طلبد. ما در این مقاله، آثاری را که تحت عنوان شعر کودک، در دهه هفتاد منتشر شده، بررسی کرده‌ایم، با صرف نظر از تعاریفی که شاعران یا انتشارات مختلف از شعر کودک در نظر داشته‌اند. البته یکی از ابعاد مهم ادبیات کودک و نوجوان، بعد محتوایی آن است و شاید همین اهمیت باعث شده که محققان و شاعران در تعریف شعر کودکان و نوجوانان، بر جنبه اندیشگی و فکری آن، بیشتر از جنبه‌های فرمی و زیبایی شناسانه آن تأکید کنند. پرسش اصلی مقاله این است که شعر کودک و نوجوان در دهه هفتاد، از جنبه محتوایی که مورد توجه هنرمندان و محققان بوده در چه وضعیتی قرار دارد؟

جامعه آماری ما تمام اشعاری است که توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در دهه هفتاد منتشر یا تجدید چاپ شده است. علاوه بر آن، برای کامل تر شدن تحقیق، برخی مجموعه‌هایی که توسط بخش خصوصی چاپ شده بود نیز مورد مطالعه قرار گرفت. در این تحقیق ۱۰۹۹ شعر بررسی شده است. ممکن است مجموعه اشعاری از چشم ما دور مانده باشد اما تعداد اشعار مورد مطالعه چندان هست که بتوان بر اساس آنها در مورد شعر کودک در دهه هفتاد اظهار نظر علمی کرد.

۲. تقسیم بندی مضمونی شعر کودک در دهه هفتاد

تقسیم بندی آثار بر اساس محتوا و مضمون یکی از روشهای رایج در ادبیات کودکان و نوجوانان است. در برخی از آنها دقت کافی مبذول نشده و مثلاً شرط لازم تقسیم بندی علمی - مانع و جامع بودن - در آنها رعایت نشده است؛ برای مثال تقسیم این اشعار به پنج نوع «لالایی، اشعار بی معنی^۱، اشعار مربوط به زندگی کودکان، قصه‌ها و حکایات منظوم، اشعار طبیعت» (مرتضوی کرمانی، ۱۳۶۴: ۱۴-۲۱۲) از این

1. nonsense poetry

حیث کاستیهایی دارد، اما برخی دیگر، علمی تر به نظر می‌رسد. مانند: تقسیم بندی که کیانوش ارائه داده است: «مضمون وصفی، مضمون تمثیلی، مضمون رفتاری، مضمون آموزشی و مضامین چند جنبه‌ای» (کیانوش، ۱۳۵۲: ۱۱۹-۹۶). ما در بررسی خود به این نتیجه رسیدیم که بهتر است پس از مطالعه کامل شعرهای چاپ شده در این دهه، انواع مضامین را بدون پیش فرض قبلی مشخص کنیم. بدین ترتیب نتیجه کار متفاوت با آن چیزی بود که تاکنون انجام شده است. در این تحقیق اشعار در شش گروه به ترتیب زیر گنجانده‌اند:

۱. اشعار طبیعت گرا

۲. اشعار سرگرم کننده

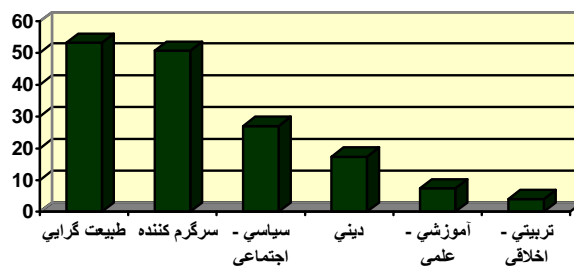
۳. اشعار سیاسی - اجتماعی

۴. اشعار دینی

۵. اشعار آموزشی - علمی

۶. اشعار تربیتی - اخلاقی

بدین ترتیب دورنمایی از درونمایه‌های شعر کودک در دهه هفتاد در برابرمان پدیدار شد. اما پرسش مهم دیگر این است که بسامد این مضامین چگونه بوده است و شاعران به کدام مضمون یا مضامین بیشتر و به کدام کمتر توجه کرده‌اند. نمودار زیر به این پرسش پاسخ می‌دهد:



نمودار ۱: فراوانی مضامین شعر کودک در دهه هفتاد

چنانکه ملاحظه می‌شود محتوای طبیعت گرایي بیشترین و مضامین تربیتی - اخلاقی کمترین درصد را به خود اختصاص داده است. اینکه این وضعیت تا چه حد مطلوب است و نیازمند چه تغییراتی است، پرسشهایی است که دیگر محققان و از منظرهای مختلف باید بدان پاسخ دهند.

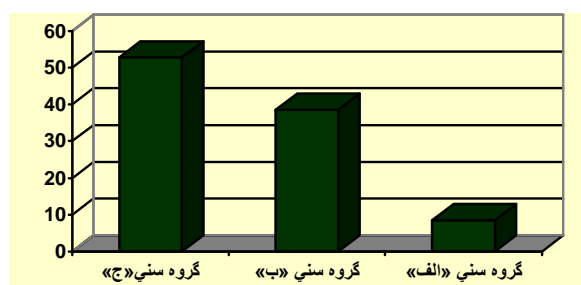
۳. بررسی مضامین شعر کودک در دهه هفتاد

در ادامه بحث می‌توان پرسشهای دیگری هم مطرح نمود؛ مثل اینکه در هر گروه از این مضامین، به چه نکاتی بیشتر توجه شده است؟ یا اینکه نسبت اختصاص هر مضمون به گروه‌های سنی الف، ب و ج چگونه است؟ به چنین پرسشهایی در ادامه مقاله پاسخ خواهیم داد.

۳-۱. مضامین طبیعت گرایانه

از مجموع اشعار مورد بررسی، در ۵۸۴ شعر، به طبیعت پرداخته شده است. این اقبال گسترده به طبیعت کاملاً طبیعی است چون گسترده‌ترین و در عین حال جالب توجه‌ترین پدیده‌ای که هر روز در برابرمان ظاهر می‌شود، طبیعت است. همین اقبال عمومی به طبیعت را در اشعار بزرگسالان هم می‌توان سراغ جست. به تعبیر ژاک شار پاترو «هنوز هم جلوه‌های گوناگون طبیعت، موضوع اصلی اشعار است و هنوز هم وقتی از خوانندگان مجلات می‌پرسم از چه چیز شعر بیشتر خوشتان می‌آید، اغلب می‌گویند از توصیف جالبی که از طبیعت می‌کند» (شار پاترو، ۱۳۷۲: ۵-۲۰۴).

نکته مهم در مورد اشعار طبیعت‌گرایانه این است که گاهی این مضمون یکی از چند مضمون مطرح در شعر است. از میان اشعار منتشر شده با مضمون طبیعت، گروه سنی «ج» با ۵۲/۷۳ درصد بیشترین و گروه سنی «الف» با ۸/۴۳ درصد کمترین تعداد شعر را به خود اختصاص داده‌اند. ۳۸/۵۲ اشعار نیز برای گروه سنی «ب» سروده شده‌اند^(۱). نمودار زیر این نسبتها را نشان می‌دهد:



نمودار ۲: فراوانی مضامین طبیعی در سه گروه سنی

طبیعت از چند جهت می‌تواند مورد توجه شاعران ادبیات کودک و نوجوان قرار گیرد. یکی، گستردگی آن و دیگری تنوع موضوعات و پدیده‌هایی که در آن هست و سوم زیبایی و دل‌انگیزی آن بخصوص

برای کودک. نیز دلیل چهارم است تناسبی که میان تمایلات و ویژگیهای روحی - روانی کودک با طبیعت وجود دارد. ژان پیاژه معتقد است که در نظر کودکان مرز میان جاندار و بی جان محو می‌شود. آنها اصل را بر جاندار بودن همه چیز می‌گذارند و زندگی و عوارض آن را به کلیه اشیاء و پدیده‌های پیرامون خود نسبت می‌دهند (بالالی، ۱۳۷۹: ۱۲). شاعرانی که این نکته‌ها را دریافته‌اند، طبیعتاً در سرودن اشعاری که بتواند با مخاطب ارتباط برقرار کند موفق بیشتری کسب کرده‌اند. بیشتر شاعران مورد بحث در این تحقیق به این نکته توجه داشته‌اند. لذا خواننده با اشعاری رو به رو می‌شود که در آنها شاعر از زبان پدیده‌های طبیعی با کودکان سخن می‌گوید:

من خانم رنگین کمانم پیراهنم از هفت رنگ است
هر کس که آن را دیده گفته پیراهنت خیلی قشنگ است...
(ناصر کشاورز/ پاییز خانم)

زبان اکثر این اشعار ساده و قابل فهم برای کودک است. در بسیاری موارد، شاعر شعر را از زبان کودک سروده و از پشت چشم او به محیط نگریسته است.

در میان عناصر طبیعی بیشترین توجه شاعران به حیوانات بوده و کمترین میزان توجه به گیاهان؛ چراکه بر طبق یافته‌های پیاژه «ساز جاندار بودن پدیده‌ها در تفکر کودک، متحرک بودن آنهاست. لذا جانداران و پدیده‌های طبیعی متحرک... به راحتی جاندار تلقی می‌گردند و در تفکر کودک، پدیده جاندار پنداری گیاه دیرتر شکل می‌گیرد» (بالالی، ۱۳۷۹: ۱۵). شاعران کودک، خودآگاه یا به صورت تجربی این نکته را دریافته‌اند و لذا بیشتر به حیوانات و پدیده‌های متحرک پرداخته‌اند. برای علمی‌تر شدن بحث، ما از این منظر هم اشعار این دهه را بررسی کردیم. جدول زیر این نسبتها را نشان می‌دهد:

گروههای سنی	حیوانات	حوادث طبیعی	فصلها	شب و روز	گیاهان	اشعار کلی
الف	۳۰	—	۵	۲	۳	۱۱
ب	۸۱	۱۹	۴۳	۱۷	۲۴	۴۱
ج	۷۴	۲۶	۷۰	۳۲	۳۸	۶۸

نمودار ۳: تنوع موضوعی طبیعت در شعر کودک

حیوانات اهلی و ریز نقش بیشتر توجه شاعران را جلب کرده است. آنها بیشتر به زیبایی و ملوس‌ی حیوان نظر داشته و آن را در شعر مطرح کرده اند. شاید چون احساس می‌کرده اند کودک با این جنبه از وجود حیوان بیشتر ارتباط برقرار می‌کند:

گر به جان چترت کو؟ آسمان بارانی است

گر به اما خواب است توی این دنیا نیست

(محمد کاظم مزینانی / تنها انار خندید)

هویت و شخصیتی که شاعران برای حیوانات در نظر گرفته‌اند، تابع سنتهای بومی ماست. مثلاً روباه پیوسته حيله‌گر، سگ با صفت نگهبان، کلاغ عمدتاً سیاه و شوم معرفی شده‌اند. با این حال برخی شاعران گامهایی برای اصلاح این ذهنیت برداشته‌اند:

به اعتقاد من کلاغ قدیمی و عتیقه است

دلی که با کلاغ نیست چقدر بی سلیقه است

نباید از کتاب دل کلاغ را قلم گرفت

نباید این سیاه را حقیر و دست کم گرفت

(ناصر کشاورز / آه پونه)

چنانکه انتظار می‌رود، در میان فصلها، بهار بسیار مورد توجه شاعران قرار گرفته است. تنوع رنگها، شادی و طراوت و زنده شدن مجدد طبیعت و بسیاری قابلیت‌های دیگر که در این فصل است، عامل این اقبال است. همین زیبایی سبب شده که نگاه شاعران به طبیعت بهاری بیشتر توصیفی باشد و آن خصلت جان بخشی به عناصر طبیعت، به نسبت، کمتر مورد توجه قرار گیرد. انگار توصیف زیباییها حس زیبایی شناسی شاعر را اقتناع می‌کرده و او نیازی نمی‌دیده که جنبه‌های هنری کلامش را افزایش دهد. در عین حال کم نیستند شاعرانی که برای دور ماندن از تکرار و کلیشه شدن نگاهی مبتکرانه به بهار داشته‌اند:

پشت در خانه ما بهار ایستاده بود

موی بلند خویش را به دست باد داده بود

(اسدالله شعبانی / ساز من ساز جیرجیرک)

اگر بهار، فصل نوشتن و طراوت است، در پاییز طبیعت سرشار از چشم اندازهای رنگارنگ می‌شود. همین تنوع رنگها در فصل پاییز سبب شده که شاعران بعد از بهار بیشتر توجهشان معطوف به پاییز باشد. پاییز در شعر این دوره دو چهره کاملاً متفاوت دارد. گاهی شاد و طربناک و گاه غم‌انگیز و دلگیر و البته

زمینه غالب متعلق به تصویر دوم است. آنجاها که پاییز شاد است بیشتر با مدرسه و شروع سال تحصیلی پیوند خورده است:

سلام به فصل پاییز	به فصل باغ عریان
به فصل زردی برگ	به فصل باد و توفان...
به مدرسه به بازی	به شور و کوشش و کار
به فصل خوب پاییز	سلام سلام بسیار

(مصطفی رحماندوست/ بابا آمد نان آورد)

بعد از بهار و پاییز بیشترین توجه شاعران به فصل زمستان معطوف است. آن دوگانگی چهره در مورد فصل زمستان هم اتفاق افتاده است، با این تفاوت که نیمه شاد و طربناک چهره زمستان در این اشعار برجسته تر از نیمه اندوهگین آن است و بالاخره تابستان بسیار کم در شعر کودک این دوره مطرح شده است.

در مجموع، اشعار طبیعت گرا گسترده ترین و موفق ترین بخش شعر کودک در دهه هفتاد است. گو اینکه گاه تصاویر و موضوعات کاملا تکراری و خسته کننده می شوند و کودک با خواندن چند مجموعه به بیانهای تکراری می رسد. مثل اینکه شاعران، مناظر و پدیده ها را از روی یکدیگر کپی کرده باشند و این اشکال مهمی است.

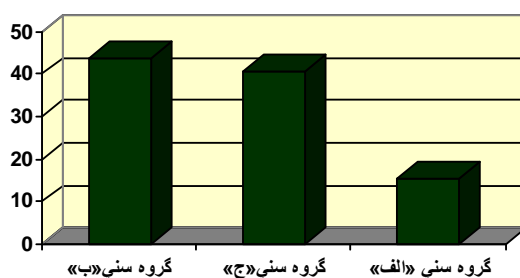
۳-۴. مضامین سرگرم کننده و لذت بخشی

در فرهنگ ما دو عنصر سرگرمی و لذت کمتر مورد توجه قرار گرفته است. حتی ذهنیت ارزشی قوم به این سو گرایش دارد که شعر حتما باید پیامی اخلاقی داشته باشد و صرفا به اعتبار لذت بخشی یا سرگرم کننده ای ارزشی ندارد. در حالی که عقیده برخی از محققان بر این است که «بهترین کیفیت در کتاب کودکان، لذت بخش بودن آن است و به همین دلیل... تمام کسانی که به نحوی با کتابهای کودکان سر و کار دارند باید متوجه باشند که کتاب باید قبل از آموزنده بودن یا در صورت آموزنده بودن، سرگرم کننده باشد» (ماتسویی، ۱۳۶۳: ۱۸۶).

بر همین اساس است که پاری از پژوهشگران ادبیات کودک، بدرستی ادبیات سرگرم کننده و لذت بخش را شاخه ای مستقل از ادبیات کودک به شمار آورده و از آن با عنوان ادبیات تفریحی یاد کرده اند. در این گونه ادبیات، «اگر پیامی هم در کار باشد اغلب ساده و فاقد پیچیدگی است... فضای عمومی

آن... روشن است که یا شادی بر سراسر آن غلبه دارد و یا با شادی به پایان می‌رسد» (طه‌پوری، ۱۳۸۱: ۱۸۷).

شاعران کودک و نوجوان دهه هفتاد متوجه این موضوع بوده‌اند. چنانکه در نمودار شماره ۱ نشان دادیم اشعاری با این درونمایه پس از اشعار طبیعت گرا در درجه دوم قرار می‌گیرند. از میان گروه‌های سنی سه گانه، بیشترین اشعار سرگرم کننده و لذت بخش یعنی ۴۳/۸ درصد به گروه «ب» اختصاص یافته است. گروه سنی «ج» با ۴۰/۷۵ درصد و بالاخره گروه سنی «الف» با ۱۵/۴۳ درصد به ترتیب در مرتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند.



نمودار ۴: فراوانی مضامین سرگرم کننده و لذت بخش در سه گروه سنی

فراوانی اینگونه اشعار برای گروه سنی «الف» به کمتر از نصف تقلیل پیدا می‌کند. آیا این بدان جهت است که شاعران تصور می‌کرده اند این گروه کمتر به چنین مضامینی گرایش یا نیاز دارند؟ فاصله میان گروه «ب» و «ج» زیاد نیست و پذیرفتنی به نظر می‌آید.

از جمله مضامینی که در زیر مجموعه این نوع شعر قرار می‌گیرند، مطرح کردن چیستانها در شعر است. پیچیدگی این نوع شعر و تلاش ذهنی کودک برای یافتن پاسخ، برایش نوعی لذت به ارمغان خواهد آورد: لذت کشف مجهول در هیأت نوشتار ادبی. رویکرد شاعران به چنین اشعاری نسبتاً زیاد است. تا آنجا که پس از اشعاری که دربردارنده آروزهای کودکانه است، بیشترین حجم اشعار سرگرم کننده به همین مضامین چیستانی اختصاص یافته است:

گردن باریکم / خوش آب و رنگم / مثل گلم من / خیلی قشنگم / شکم گنده‌ام / چاقم حسابی /
 حتماً دانستی / هستم... (جعفر ابراهیمی / چیستم من)

در برخی دیگر از اشعار این گروه، بازیهای کودکان به شعر در آمده است. بازیها اهمیت حیاتی برای کودکان دارند تا آنجا که اصلا ماهیت کودکی با بازی عجین شده است. شاید بتوان گفت لذت بخش ترین فعالیت کودکان بازی کردن آنهاست. بدیهی است که طرح این تجربه لذت بخش در شعر، برایش موجد لذت خواهد بود. به تعبیر قدمای خودمان: وصف العیش، نصف العیش. بخصوص که شاعر توانسته باشد آن روح شوخ و شنگ که لازمه بازیهای کودکانه است را به زبان شعر تسری داده باشد:

ما بچه‌ها تپل تپل / یه دسته گل / با جست و خیز دنبال توپ / جست می‌زنیم / برای هم دست می‌زنیم / من می‌پریم به روی تاب / تاب می‌خورم / تالاپ تالاپ / او می‌پره رو سر سره / سر می‌خوره. (اسد الله شعبانی / تاب تاب تاب بازی)

اگر قرار باشد دو فعالیت مهم کودکانه را نام ببریم، یکی بازی خواهد بود و دیگری، نقاشی. نقاشیهای کودکان تصویر درون آنها را به ما نشان می‌دهند. نقاشی از فعالیت‌هایی است که باعث سرگرمی کودک شده و آنها اغلب آن را دوست می‌دارند. همین اهمیت باعث شده شاعران کودک، اشعاری با درونمایه نقاشی بسرایند که در آنها کودک با خواندن متن به لذت نقاشی برسد:

با یک مداد زرد / یک دایره بکش / دورش شعاعها / آینه آفتاب شد / در زیر آن بکش / یک خط مارپیچ / آبی روان و پاک / این جوی آب شد ... (محمود کیانوش / باغ ستاره‌ها)

کودکان تخیلات خود را در ضمن بازیها به زبان می‌آورند. می‌توان گفت آنها بلند بلند فکر می‌کنند. دنیای تخیلات کودکانه دنیایی بسیار زیبا و فرح انگیز است. نسبت پدیده‌ها در آن دنیا ساده و صمیمی است. برخی محققان برای کودکان دو نوع تخیل اعتبار کرده‌اند: یکی تخیل واقعی که تصور ذهنی جهان است همان گونه که هست؛ دیگری تخیل فراواقعی که عبارت است از دخل و تصرف کودکانه در جهان پیرامون. در تخیل نوع دوم است که حیوانات و گیاهان به سخن درمی‌آیند و کودک به اصطلاح جاندار پنداری می‌کند (محمدی، ۱۳۷۶: ۴۲). از آنجا که شاعر در این نوع اشعار مجال بیشتری برای پرداخت هنری دارد، زمینه سرودن چنین اشعاری زیاد بوده است:

توی شهری که در خیال من است / گربه ترسو و دشمنش موش است / چون که موشی بیاید از آن دور / گربه از ترس موش بیهوش است ... (افسانه شعبان نژاد / برگزیده شعر از چند شاعر برای نوجوانان)

از مضمون دیگر بیان آرزوهای کودکانه است می‌توان گفت آرزوهای کودکانه دنباله همان تخیلات کودکانه است که شکل آرمانی به خود گرفته است. این آرزوها گاه ساده، کوچک و دست یافتنی است و

گاهی بزرگ و دور از دسترس. شاعرانی در این زمینه موفق تر بوده اند که توانسته‌اند ذهنیت خود را به حد ذهن یک کودک تغییر دهند:

ای کاش من / یک دانه گندم داشتم / آن دانه را توی دلم می‌کاشتم / یک سال بعد / می‌شد دلم
یک کشتزار / سبز و قشنگ زیباتر از فصل بهار... (ناصر کشاورز / دانه‌ها، گنجشک‌ها، پروانه‌ها)
در جدول زیر نسبت اشعار سرگرم کننده و لذت بخش را در گروه‌های سنی سه گانه نشان داده‌ایم:

گروه سنی	بازی	نقاشی	چیستان	تخیلات کودکانه	آرزوهای کودکانه
الف	۸	۱	۱۳	۷	۴
ب	۲۹	۵	۳۴	۱۹	۲۰
ج	۲۰	۵	۲۲	۲۴	۴۰

نمودار ۵: تنوع موضوعی اشعار سرگرم کننده و لذت بخش در شعر کودک

این مضامین را در مجموع می‌توان لذت بخش و سرگرم کننده نامید. ممکن است شعری هم لذت بخش باشد و هم دارای پیامی اخلاقی اما اینجا منظور ما بیشتر اشعاری است که وجه غالب آنها لذت بخشی و سرگرم کنندگی است. گاهی شاعران در این زمینه توانسته‌اند ذهنیت شاعرانه خودشان را تا سطح ذهن کودک تغییر دهند و مثلاً چیستانهایی سروده‌اند که فهم آن برای کودک میسر نیست یا بسیار مشکل است. این باعث می‌شود شعر نتواند با مخاطب اصلی خود ارتباط برقرار کند. استفاده از واژگان نامفهوم برای کودک، نحو پیچیده، تصویرهای شعری استعاره‌ای از عمده ترین عواملی هستند که این مشکل را پدید می‌آورند. حتی در شعر شاعر توانایی مثل محمود کیانوش گاه این گونه اشکالات دیده می‌شود:

من زبان نیستم، ولی حرفم / از نفسهای باد می‌آید / گاه با ناله گاه با فریاد / گاه آرام گاه شاد می‌آید /
گر چه گنجشک نیستم اما / در بهاران سرای گنجشکم / با زبان نسیم می‌خوانم / همصدا با نوای
گنجشکم / سایه انداز و خوش بر و بالا / آهنین ساقه و گران جانم / نام من از قضا زبان گنجشک /
خود من سرور درختانم (محمود کیانوش / بچه‌های جهان)

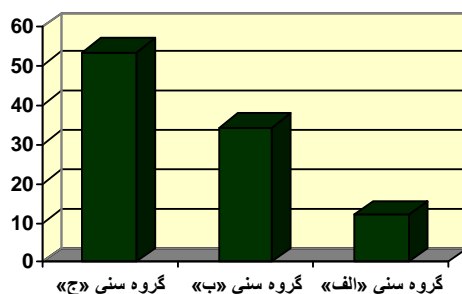
همچنین لایبی‌ها در میان اشعاری با درونمایه لذت بخش و سرگرم کننده قرار می‌گیرند. این گونه اشعار که در عمق فرهنگ ما جای دارند، هم سرشار از صورتهای خیالی زیبا و ساده هستند و هم به

حیث مضمونی تنوع و غنای فوق العاده ای دارند(موسویان، ۱۳۸۴: ۵۳). در همه اشعار منتشر شده در دهه هفتاد فقط یک لایایی یافت شد که آن را هم کودکان بارها از برنامه رادیویی شنیده اند: گنجشک لالا/ سنجاب لالا/ آمد دوباره/ مهتاب لالا/ لالا لایایی/ لالا لایایی/ گل زود خوابید/ مثل همیشه/ قورباغه ساکت/ خوابیده بیشه ... (مصطفی رحمان دوست/ بابا آمد نان آورد)

۳-۳. مضامین سیاسی-اجتماعی

چنانکه در نمودار شماره ۱ نشان داده شد، اشعار سیاسی-اجتماعی به حیث کمیّت سومین رده را به خود اختصاص داده اند. البته افت ناگهانی این گروه از اشعار را نسبت به دو گروه پیشین نباید نادیده گرفت. منظور ما از اشعار سیاسی-اجتماعی، سروده‌هایی است که یا به یکی از طبقات اجتماعی می‌پردازد و مسائل و موضوعات اجتماعی در مرکز آنها قرار گرفته است. برخی از این موضوعات و پدیده‌های اجتماعی ماهیت سیاسی دارند. به همین دلیل عنوان این دسته از اشعار را سیاسی-اجتماعی گذاشتیم نه فقط اجتماعی یا فقط سیاسی.

اگر پیش فرض ما این باشد که مضامین سیاسی-اجتماعی بیشتر مناسب مطرح کردن برای گروه سنی «ج» و کمتر برای گروه سنی «الف» است، فراوانی این مضامین در گروه‌های سنی سه گانه منطقی و معقول به نظر می‌رسد. چون بیشترین تعداد اشعار-۵۳/۵۳ درصد- به گروه سنی «ج» اختصاص یافته و گروه سنی «ب» با ۳۴/۳۰ درصد در رده دوم و سرانجام گروه سنی «الف» با ۱۲/۱۶ درصد در رده سوم قرار می‌گیرند. نمودار زیر این وضعیت را نشان می‌دهد:



نمودار ۶: فراوانی مضامین سیاسی-اجتماعی در گروه‌های سنی سه گانه

اما اگر با اریکسون هم عقیده باشیم که تجارب اجتماعی مهمترین عامل سازنده شخصیت است و شخصیت آدمی «از ابتدای دوره طفولیت تا خاتمه عمر یک مسیر تکاملی داشته و در هر مرحله از رشد، تجربه اجتماعی می‌تواند کیفیت زندگی فرد را دگرگون کند» (احمدی و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۱۶)، باید به این نسبت اعتراض کنیم.

به هر حال، پاره‌ای از این اشعار به گروه‌های اجتماعی (خانواده، مدرسه و گروه همسالان) می‌پردازد. در اشعار مربوط به خانواده، شاعران به تک تک اعضا توجه داشته‌اند. اکثر محققان برآنند که چون مادر بیشتر اوقات خود را با کودک سپری می‌کند، در زندگی وی اهمیت فوق العاده‌ای دارد. اما کسانی مثل میرلو نقش پدر را هم برجسته می‌کنند چون پدر «پل رابط به دنیای وسیع بیرونی است» (نجاتی، ۱۳۷۴: ۷۰). در شعر این دهه پدر چهره‌ای چندگانه دارد. گاه بسیار دوست داشتنی و مهربان است و کودک مشتاقانه در انتظار ورود او به خانه و گاه اخمو و عصبانی که اخلاق تندش باعث خستگی و بغض کودک می‌شود:

پدر مثل اناری ترش و نارس / صدایش در سکوت خانه ترکید / تنم از خستگی غرق غرق شد / به روی گونه‌هایم بغض پاشید ... (حسین احمدی / صدای سبز)

یک تصویر دیگر از پدر، تصویری است سنتی که پدر را نان آورنده که بر دستان پینه بسته‌اش بوسه زند: است اما روح مهربانش کودک را متأثر کرده و او را به شوق آورده که بر دستان پینه بسته‌اش بوسه زند:

ای کاش ببوسم ای خدا جان! / آن دست زخم و پینه بسته / بابا مرد است مرد کار است / هرگز نشود ز کار خسته / (احمد زارعی / یک قطعه آسمان)

گاهی هم شاعران به سراغ کودکانی رفته‌اند که از نعمت پدر محروم‌اند. اما در اکثر اشعاری که به مادر می‌پردازند، تصویر انسانی را می‌بینیم که دو ویژگی شاخص دارد: نخست نماد و نمود مهربانی و از خودگذشتگی است و دیگر مدیر امور داخلی منزل:

ندیدم هیچکس را مهربان‌تر / ز مادر در تمام زندگانی / شوم آسوده از هر رنج وقتی / نگاهم می‌کند با مهربانی (جعفر ابراهیمی / باغ سبز شعرها)

در بین همه اشعاری مورد بررسی، فقط یک شعر را یافتیم که مادر سرد و بیگانه به تصویر کشیده شده بود:

هیچ حالی نمی‌پرستی از من / تا بدانم که در خانه هستی / از تو می‌پرسم از من نرنجی / مادر یا که بیگانه هستی (محمود کیانوش / بچه‌های جهان)

انتقادی که بر این بخش از اشعار وارد است، کیفیت پرداختن به نقش پدر و مادر است؛ به طوری که در موارد بسیاری پدر به عنوان رئیس خانواده و منبع درآمد معرفی شده و مادر به عنوان کسی که تمام هویتش خدمت کردن به سایر اعضای خانواده است:

مادر میان سرما/ در حوض ظرف می شست/ او ظرفهای ما را/ در زیر برف می شست (ناصر کشاورز/ کلاغ زرد)

حتی در اشعاری که نشان دهنده محبت کودک به مادر است، چنین به نظر می رسد که کودک مادر را بدان جهت دوست دارد که نیازهای او را برآورده می سازد و در حکم خدمتکاری برای اوست:

من خسته شدم/ تابم ده/ من تشنه شدم آبم ده/ این کاسه من/ آبش کن/ این چشم من است/ خوابش کن (محمد کاظم مزینانی/ تنها انار خندید)

روابط خواهر و برادر در کودکی و البته در دنیای خارج از شعر، طولانی و متنوع است. چون آنها سالیان درازی را با یکدیگر می گذرانند. این رابطه هم شامل رفتارهای منفی مثل خشونت و هم چشمی و حسادت است و هم «شامل اعمال متقابل مشارکت جویانه و معین اجتماعی» (آیزبرگ، ۱۳۸۴: ۱۳۲). در شعر کودک در دهه هفتاد به رابطه خواهر و برادر توجه چندانی نشده و در همان مقدار اندک هم، رابطه بسیار صمیمانه و به دور از درگیریها و مشاجرات کودکانه تصویر شده است:

ما دو تا داداش هستیم/ من مجیدم او محمد/ اسمهای هر دوی ما/ اولش یک میم دارد/ شعر زیبایی برایش/ گفته ام می خوانم الان/ خنده های مثل گلها/ گریه های مثل باران (ناصر کشاورز/ کلاغ زرد)

پدر بزرگ و مادر بزرگ هم به عنوان دو عضو خانواده مورد توجه شاعران کودک قرار گرفته اند. عمده ترین نقشی که آنها در جهان شعر بر عهده می گیرند، قصه گویی برای بچه ها و یا بازی کردن با آنهاست:

مادر بزرگم مثل من/ در خانه بازی می کند/ با خواهرم پروانه هم/ او خانه سازی می کند/ گاهی برای ما دوتا/ او قصه خوانی می کند/ پروانه هم پهلوی او/ شیرین زبانی می کند (اسدالله شعبانی/ جشن جوانه ها)

این طرز برخورد شاعر با پدر بزرگ و مادر بزرگ در جهان شاعرانه یک پرسش مهم را به ذهن متبادر می سازد و آن اینکه: آیا بدین ترتیب ارزش وجودی این دو عضو خانواده تنزل پیدا نمی کند؟ و آیا چنین کارکردی و چنین ذهنیتی با فرهنگ ما سازگاری دارد؟

مدرسه، معلم و هم کلاسیها نیز از مواردی است که مورد توجه شاعران کودک قرار گرفته است. آنها اصرار دارند که از طریق شعرهایشان، اشتیاق به یادگیری و حضور در فضای فرهنگی مدرسه را به خوانندگان شعرشان القا کنند:

من خسته‌ام / من خسته‌ام / در انتظار مدرسه ... / شادم که می‌آید کنون / فصل بهار مدرسه (جعفر ابراهیمی / آب مثل سلام)

با این حال، شیفتهای بچه‌ها نیز گاه به تصویر شعر کشیده شده است. تصویر معلم در این اشعار غالباً مهربان و دوست داشتنی است که هدفی جز تربیت صحیح شاگردانش ندارد:

آموزگار مهربانم / من دوستت دارم فراوان / تو مهربان و خوب هستی / مانند گلها، مثل باران (جعفر ابراهیمی / باغ سبز شعرها)

اینجا نیز جای طرح یک پرسش هست؟ آیا ارائه تصویری یکسره روشن و سفید از معلم، باعث نمی‌شود که در ذهن کودکان، تصویری فوق انسانی و فرشته گونه از معلم ترسیم شود؟ و این با معلم واقعی که در کلاس می‌بینند آن قدر تفاوت ندارد که کودک نتواند شکاف میان آرمان تا واقعیت را پر کند؟

همسالان کودک در شکل‌گیری شخصیت او تأثیر بسزایی دارند؛ تا آنجا که برخی محققان برآنند که «گروه همسالان به کودکان مهارت‌های اجتماعی مهم را به طریقی می‌آموزند که آموختن آن از طریق بزرگسالان ممکن نیست» (ماسن و دیگران، ۱۳۸۰: ۵۹۸). اما شاعران کودک در دوره مورد بررسی ما به این مقوله مهم، کمتر توجه کرده‌اند. تعداد اشعاری با این مضمون، از تعداد انگشت‌های دو دست هم کمتر است.

بخش دیگری از اشعار این گروه، به جریان‌ات سیاسی-اجتماعی پرداخته‌اند. دهه هفتاد در حالی آغاز شد که مردم ایران رویدادهای مهمی مثل انقلاب اسلامی و جنگ را پشت سر گذاشته بودند. در مورد اینکه آیا بهتر است که مسائل سیاسی وارد ادبیات کودک شود یا نه، اظهار نظرهای مختلفی شده است. برخی معتقدند که بهتر است ذهن صاف و روشن را با چنین موضوعاتی کدر نکنیم و در مقابل برخی دیگر را اعتقاد بر این است که بهتر است کودک با مسائل و مشکلاتی که در جامعه اش وجود دارد، آشنا شود (بنگرید به قزل ایاغ، ۱۳۸۱: ۸۷-۷۹). با عنایت به اینکه مردم ایران در دهه پنجاه و شصت دوران پر حادثه‌ای را پشت سر گذاشته بودند، این ایده به ذهن محقق متبادر می‌شود که مضامین متناسب با آن حوادث در شعر زیاد است؛ اما واقعیت این است که تعداد اشعار با این مضامین زیاد نیست. در همان مقدار سروده شده هم گاهی کودک صرفاً تماشاگر است اما در برخی دیگر نقشی بر عهده دارد:

قصه‌ای خواهم نوشت/ قصه‌ای از رفتن بابا به جنگ/ خاطر می‌آید آن روزی که رفت/ روی دوشش داشت بابا یک تفنگ ... (حسین احمدی/ صدای سبز)

نکته قابل توجه در مورد اشعاری که درباره جنگ سروده شده اینکه شاعران بدون ترویج و یا القای روحیه خشونت، این مضامین را به دنیای ذهنی کودکان وارد نموده‌اند و از این جهت کارشان در خور توجه است.

نوع زندگی اجتماعی هم توجه شاعران کودک را جلب کرده است. در یک تقسیم بندی می‌توان گفت در اکثر جوامع، دو نوع زندگی وجود دارد: شهری و روستایی. هر کدام از این دو نیز ویژگی‌های مثبت و منفی خاص خود را دارند. آنچه در شعر کودک قابل توجه است، رویکرد روشن و همراه با ستایش اکثر شاعران به زندگی روستایی و نگرش بدبینانه به زندگی شهری است. زمینه غالب اشعار اینگونه است:

- مثل یک دسته گل / ده ما زیبا بود / ده ما آن بالا / قد یک دنیا بود

(احمد خدا دوست / دنیا چگونه شکل سبب است)

- چیست آنجا که از آن / دوده برمی‌خیزد / دوده از هر طرفش / بر زمین می‌بارد / ... آری آنجا شهر است / ... شهری از دود و دم است (جعفر ابراهیمی / آب مثل سلام)

بدیهی است زندگی شهر زیباییهای خاص خود را دارد و دردهای کودکان روستایی نیز تلخیهای خاص خود را. چنین به نظر می‌رسد که شاعران تنها برای کودکان شهری شعر سروده‌اند و لذا نگاهی غیر واقع‌گرایانه به زندگی در شهر و روستا داشته‌اند.

اینها عمده‌ترین موضوعات سیاسی - اجتماعی مطرح شده در شعر کودک دهه هفتاد است. در ذیل جدول نسبت هر موضوع با گروه‌های سنی را می‌آوریم:

گروه سنی	پدیده‌های سیاسی-اجتماعی	نوع زندگی اجتماعی	گروه‌های اجتماعی	مشکلات اجتماعی
الف	۴	۲	۲۸	۲
ب	۱۵	۱۴	۶۷	۴
ج	۳۰	۳۵	۷۹	۱۳

نمودار ۷: تنوع موضوعی اشعار سیاسی-اجتماعی در شعر کودک

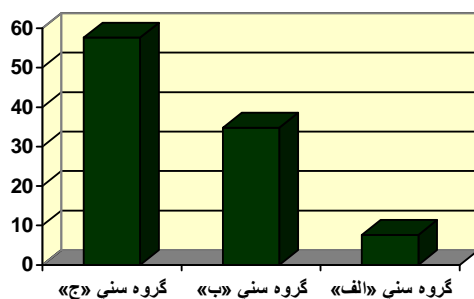
چنانکه ملاحظه می‌شود هر چه سن کودکان بالاتر می‌رود، بر تعداد اشعار دارای مضمون اجتماعی افزوده می‌گردد و بعلاوه نسبتی مستقیم هم هست میان سن کودکان و یک موضوع خاص اجتماعی. بدین ترتیب که تعداد موضوعاتی که برای سنین بالاتر مناسب تر است، در ردیفهای ۲ و ۳ بیشتر است. مثلا اگر قرار باشد پدیده‌های سیاسی - اجتماعی یا مشکلات اجتماعی وارد شعر کودکان شود، بهتر است بیشتر برای گروه سنی «ج»، و بعد «ب» باشد و این نسبت در جدول فوق رعایت شده است. این نشان می‌دهد شاعران به این نسبتها و تناسبها توجه داشته اند.

۳-۴. مضامین دینی

در مورد تعریف ادبیات دینی و انواع آن نظریات متفاوتی وجود دارد(از جمله بنگرید به سادات اخوی، ۱۳۷۸: ۶ و محمدی، ۱۳۷۸: ۲۳۳-۲۳۴ و سیدآبادی، ۱۳۷۸: ۵-۱۳ و حکیمی، ۱۳۸۴: ۹۴ و شورای کتاب کودک، ۱۳۷۸: ۵۸-۵۷). منظور ما از شعر دینی آن بخش از سروده‌هاست که به طور مستقیم به یکی از موضوعات یا پدیده‌ها یا شخصیت‌های دینی مربوط می‌شود.

وقتی بررسی شعر کودک در دهه هفتاد را آغاز کردیم، پیش فرض مان این بود که با اشعار زیادی رو به رو خواهیم شد که دارای درونمایه دینی هستند، اما در ضمن کار خلاف این موضوع ثابت شد. چنانکه در نمودار شماره ۱ دیدیم نسبت این موضوع با موضوعات دیگر بسیار پایین است؛ یعنی از ۱۰۹۹ شعر سروده شده، ۱۹۱ شعر دارای مضمون دینی است و این یعنی ۱۷/۳۷٪ از کل اشعار سروده شده. چرا چنین است؟ محققان تعلیم و تربیت رشد تفکر مذهبی کودک را به سه دوره تقسیم کرده اند که عبارت است از: دوره تفکر شهودی (۷ تا ۸ سالگی)؛ دوره تفکر عینی (از حدود ۸ تا حدود ۱۴ سالگی)؛ دوره تفکر انتزاعی (از حدود ۱۴ سالگی به بعد)، (حکیمی، ۱۳۸۴: ۱۸۳-۱۸۷). بخشی از معارف دینی کیفیت انتزاعی دارند و از طرف دیگر، دوره تفکر انتزاعی کودک از حدود ۱۴ سالگی آغاز می‌شود. در چنین شرایطی کم بودن تعداد اشعار دینی - انتزاعی برای گروه‌های سنی زیر چهارده سال منطقی به نظر می‌رسد. اما این فقط مربوط به آن بخش از آموزه‌های دینی است که جنبه انتزاعی دارند و ما نتوانستیم برای کم بودن بقیه گزاره‌های دینی در شعر کودک دلیل قانع کننده‌ای پیدا کنیم. برخی محققان ادبیات کودک به این موضوع اشاره کرده‌اند: «در زمینه ادبیات کودک و نوجوان و در حوزه پرداختن به پرسش‌های بنیادین مثل خدا، معاد و مرگ نه آثار برجسته ای داریم و نه پژوهش‌های خیلی برجسته ای که بخواید به نویسندگان راه و چاه نشان دهد» (کاموسی، ۱۳۸۴: ۱۲۹).

از ۱۹۱ شعر مذکور، ۱۵ شعر مربوط به گروه سنی «الف»، ۶۶ شعر مربوط به گروه سنی «ب» و ۱۱۰ شعر مربوط به گروه سنی «ج» می‌باشد؛ یعنی نسبت این اشعار در سه گروه فوق به طور تصاعدی بالا می‌رود. نمودار زیر این وضعیت را نشان می‌دهد:



نمودار ۸: فراوانی مضامین دینی در گروه‌های سنی سه گانه

خدا از موضوعاتی است که تا حدی توجه شاعران را جلب کرده است. انتزاعی بودن این مفهوم از یک سو و درک غیر انتزاعی کودک از سوی دیگر باعث شده که شاعران این مفهوم را در ارتباط با پدیده‌های ملموس و عینی مثل طبیعت و آن هم به صورت خیلی کلی مطرح نمایند:

هر چیز این دنیای زیبا / شعر خداوند بزرگ است / شعری که هر مصراع و بیتش / مانند یک پند بزرگ است

(جعفر ابراهیمی / باغ سبز شعرها)

این در حالی است که یک شاعر غیر مسلمان به علت ذهنیت غیر تجریدی که دارد مفهوم خدا را به شکلی کاملاً عینی و ملموس مطرح می‌سازد:

از سر و کول خدا بالا می‌روم / و هی شوخی و شیطنت می‌کنم باهانش / فرشته‌ها حسودی شان می‌شود ... و می‌گوید: هی طفلک مگر نمی‌دانی من کی‌م؟ / و ته ولش یواشکی می‌خندد / ... می‌گویم چرا خوب خدایی دیگر / ... می‌گوید پس چرا از من نمی‌ترسی / ... می‌گویم برای چه بترسم؟ / می‌گوید: بیخ! / ... و من در می‌روم / ... و باز پاورچین از پشت سرش می‌آیم ... (سولانژ / نعیمی: ۱۳۷۹:

۲۱).

از این دست شعرها در ادبیات دینی ما وجود ندارد. چنین به نظر می‌رسد که در اشعار کودک که به خدا پرداخته اند، بیشتر جنبه سرگرمی مطرح بوده تا شناختی. در معدود اشعاری هم هست که بعد شناختی کودک در نظر گرفته شده است:

به مادر گفتم آخر این خدا کیست؟/ که هم در خانه ما هست و هم نیست؟/ تو گفتی مهربان تر از خدا نیست/ دمی از بندگان خود جدا نیست/ چرا هرگز نمی‌آید به خوابم/ چرا هرگز نمی‌گوید جوابم/... به من آهسته مادر گفت فرزند!/ خدا را در دل خود جوی یک چند/... خدا در پاکی و نیکی است فرزند/ بود در روشناییها خداوند (پروین دولت آبادی/ گل بادام)

در مجموع، اشعاری با این مضمون نمی‌توانند نیاز کودک را برآورده سازند؛ بخصوص که فضای عمومی اکثر آنها تکراری و شبیه به هم است و خدا معمولاً به عنوان خالق طبیعت معرفی شده است. برخی دیگر از اشعار به بزرگان دینی پرداخته اند. این اشعار یا سوگ سرود است و با حال و هوایی غمگین و یا به مناسبت تولد شخصیت‌های دینی. تعداد محدودی هم دارای بعد حماسی است و مانند اشعاری که در آنها به واقعه کربلا پرداخته شده است:

مثل باد بی پروا / در شتاب بودی تو / سوی نهر می‌رفتی / فکر آب بودی تو / تشنه بودی و لب را ذره ای نکردی تر / از تو تشنه تر بودند /... بچه‌های پیغمبر /... دشمنان ولی ناگاه / بر تو حمله آورند /... دست پرتوانت را / از تنت جدا کردند / لحظه‌های آخر هم / گرچه بی صدا بودی / باز غصه می‌خوردی / فکر بچه‌ها بودی (افشین علاء/ نسیم دختر باد)

تعداد این اشعار بسیار کم است؛ در حالی که زمینه‌های شعری در زندگی بزرگان دینی بسیار زیاد است و می‌توان در انواع ادبی حماسی، غنایی و تعلیمی شعر سرود. یک اشکال عمده این اشعار ستایش گریه‌ایی است که بدون تبیین لازم و کافی از شخصیت‌های دینی شده است، به طوری که کودک با کلیتی مبهم روبه‌رو می‌شود که فقط باید ستایش شود و نه حتی درست شناخته شود.

گروه دیگری از اشعار دینی مربوط به احکام و عبادات دینی است. در این میان بخصوص نماز بیشتر مورد توجه قرار گرفته است:

سحرگاه وقتی که خورشید / آن سوی کوه در خواب ناز است / باید آن گاه برخیزم از خواب / چون که صبح است و وقت نماز است / (افشین علاء/ نسیم دختر باد)

وارد کردن مضامینی از این قسم باید به گونه‌ای باشد که موجب تشویق کودک شود؛ مثلاً در شعری کودک به خاطر روزه ای که گرفته مورد تشویق قرار می‌گیرد:

افطار می‌کنم / با آب گرم شیر / یک لقمه نان داغ / با سبزی پنیر / ... افطار می‌کنم / با خنده پدر / با
 «روزه‌ات قبول» / با «آفرین پسر» (همان)
 یا مثلاً شعر زیر که تصویری زیبا و دل‌انگیز از فضای مسجد ارائه می‌دهد و تأثیر مثبتی بر کودک
 دارد:

در میان کوچه ما / مسجدی خوب و قدیمی است / جای خوب و با صفایی است / ساده است اما
 صمیمی است / .. توی این مسجد همیشه / حرف ما از مهربانی است / جای خوب آشتی‌هاست / کینه
 توی قلب ما نیست

(ناصر کشاورز / سبب جان سلام)

اشعاری هم هست که از جهت بیانی اشکالاتی دارد و متناسب با درک مخاطب نیست؛ مثل شعری
 که در آن هواپیما نماز می‌خواند:

بهشت آسمان محراب او شد / پر از شوق پریدن بود بالش / صدای یک مسافر را شنیدم: / «عجب راز
 و نیازی خوش به حالش» / .. زمین پر بود از عطر فرشته / .. هوا نور و گل و باران می‌افشاند /
 مسافرها همه خوشحال بودند / .. هواپیما نماز صبح را خواند (حمید هنرجو / نماز هواپیما)
 همچنین استفاده از برخی اصطلاحات دینی مثل «چهارده روایت» و یا بیان استعاره ای پیچیده از
 شگردهایی است که گاه مشکلاتی را در شعر کودک به وجود آورده است. نگاهی به تعداد اشعار سروده
 شده در موضوعات دینی نشان می‌دهد که شعر دهه هفتاد از این جهت هم کاستیهایی دارد:

گروه سنی	خدا و مفاهیم اتنزاعی	شخصیتهای دینی	احکام و عبادات
الف	۳	۲	۱۰
ب	۸	۴۱	۱۷
ج	۲۵	۵۲	۳۰

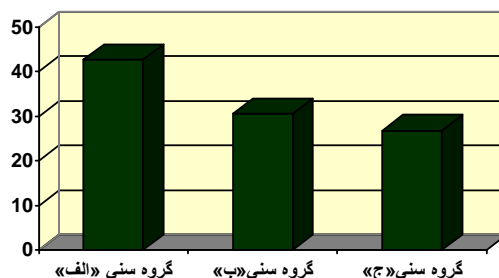
نمودار ۹: تنوع موضوعی مضامین دینی

۳-۵. مضامین آموزشی - علمی

درست است که «ادبیات کودک در ماهیت خویش، آموزشی است .. آن گاه که که فرد بزرگسال عاطفه
 و اندیشه خویش را به گونه ای طراحی شده و هدفمند بر کودک عرضه می‌دارد، فرایندی پدید می‌آید که

به گونه ای گریزناپذیر ماهیتی آموزشی دارد» (خسرو نژاد، ۱۳۸۲: ۳۲)، اما منظور ما از شعرهای آموزشی معنای خاص کلمه است؛ یعنی اشعاری که هدف اصلی آنها آموزش یک موضوع خاص علمی و کاربردی است.

استفاده از کلام منظوم برای آموزش در فرهنگ ما پیشینه‌ای کهن دارد و برخی شاعران کودک در روزگار معاصر ادامه دهنده همان سنت شده‌اند. چنانکه در نمودار شماره ۱ نشان دادیم این نوع شعر چندان مورد اقبال شاعران قرار نگرفته است؛ (چرا که ۷/۴۶ درصد رقم بسیار پایینی است. از این حدود هفت درصد، گروه سنی «الف» بیشترین و گروه سنی «ج» کمترین تعداد شعر را به خود اختصاص داده‌اند. نمودار زیر این وضعیت را ترسیم می‌کند:



نمودار ۱۰: فراوانی مضامین علمی - آموزشی در گروههای سنی سه گانه

ظاهراً شاعران به این نتیجه رسیده‌اند که کودکان گروه سنی «ب» و «ج» اطلاعات علمی خود را از طریق نهادهای آموزشی به دست می‌آورند و کمتر نیازی دیده‌اند که در شعر به چنین موضوعاتی بپردازند.

به هر حال، از جمله موضوعاتی که شاعران بدان پرداخته‌اند آشنا کردن کودکان است با روند شکل گیری یا رشد پدیده‌های طبیعی. مثلاً صفورا نیتری شعری دارد که درخت کاج را معرفی می‌کند و یا محمود کیانوش کودک را با فرایند تشکیل باران آشنا می‌کند. معرفی آموزشی فصلها و زندگی حشرات و حیوانات نیز در همین راستا قرار می‌گیرد:

- قور قور و قور / - صدای کیه؟ / - قورباغه کنار جو / خال خالیه پیره‌ن او

(افسانه شعبان نژاد / قور و قور و قور. . .)

آشنا کردن کودکان با مشاغل مختلف نیز مورد توجه شاعران کودک قرار گرفته است:

این دکان بقالیه / خوردنی داره عالیه / ... ماست و پنیر به ما می ده / ... یه شیشه شیر به ما می ده /
 ... برنج و روغن و نبات / ... چایی و قند و شکلات (اسدالله شعبانی / هر کسی کاری داره)
 در برخی موارد شاعر به تناسب موضوع آموزشی با گروه سنی کودک توجه نکرده است. در مجموعه شعری از افشین علاء که برای گروه سنی «د» و «ه» سروده شده شاعر به آموزش ماههای فصل زمستان پرداخته که مناسب گروه سنی «الف» است. یا جعفر ابراهیمی در مجموعه باغ سیب که برای گروههای سنی «ب» و «ج» سروده شده اشعاری آورده که به نظر می‌رسد برای گروه سنی «الف» مناسب باشد.

۳-۶. مضامین تربیتی - اخلاقی

به یک معنی همه ادبیات کودک می‌تواند تربیتی - اخلاقی باشد اما مراد ما اینجا معنای خاص این ترکیب است. برخی گزاره‌های اخلاقی هست که مختص دین یا مذهب خاصی نیست بلکه جزء اخلاقیات بشری است حتی آنها که پیرو دین خاصی نیستند به اصول اخلاقی انسانی اعتقاد دارند. بنابراین، آنچه تحت عنوان مضامین دینی مطرح کردیم، متفاوت از چیزی است که در این بخش مد نظر ماست.

ژان پیاژه معتقد است رشد اخلاقی کودکان در دو مرحله صورت می‌گیرد: نخست از پنج سالگی که وی آن را «واقع‌گرایی اخلاقی» می‌نامد. در این مرحله کودک معتقد است قواعد اخلاقی از سوی مراجع قدرت صادر می‌شود و از این رو ثابت و مقدس اند:

پدرم گفت برو گفتم چشم / مادرم گفت بیا گفتم چشم / هر چه گفتند به من با لبخند / گوش کردم همه را گفتم چشم / پدرم گفت تو خوبی پسرم / مادرم گفت از او بهتر نیست / آسمان خنده به رویم زد و گفت / پسرم از تو خدا هم راضی است / (مصطفی رحماندوست / گل لبخند و سلام).

مرحله دوم، که از حدود ده سالگی آغاز می‌شود، دوره «نسبی‌گرایی اخلاقی» است. در این مرحله کودکان تشخیص می‌دهند که بسیاری از قواعد اجتماعی صرفاً قراردادی است و «می‌توان با توافق دیگران آن را تغییر داد» (ماسن و دیگران، ۱۳۸۰: ۴۹۹ به بعد).

اهمیت پیامهای اخلاقی در اشعار کودکان چندان است که به تعبیر آگینا بارتو شاعر مشهور روسی، «نتیجه گیریهای اخلاقی که اطفال از شعرها می‌کنند تا آخر عمر با آنان باقی می‌مانند» (بارتو، ۱۳۷۲: ۲۰۶).

گاه پیامهای اخلاقی اشعار مستقیم است که در این صورت تأثیرشان کمتر از زمانی است که شاعر غیر مستقیم پیام می‌دهد:

نمونه ۱:

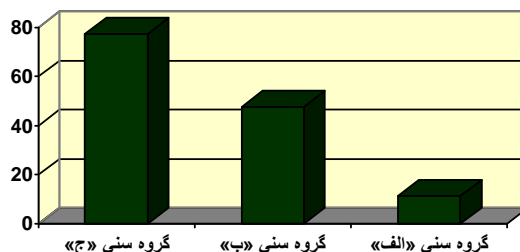
صلح زیباست دوستی زیباست / جنگ زشت است و دشمنی زشت است / مهربانی، فروتنی ادب است /
خوی اهریمنی، منی زشت است / (اسدالله شعبانی / آواز توکا)

نمونه ۲:

مادرم بشقابهایش را / توی آب حوض می‌شوید / پچ پچش در خانه می‌پیچد / مثل اینکه شعر می‌گوید / در نگاه خسته اش انگار / ابرهای آسمان پیدا است / توی فکر بازی ام اما / دستهای مادرم تنهاست (داوود لطف الله / کاش باران می‌شدم)

تعداد اشعاری که در بردارنده مضامین تربیتی - اخلاقی باشد، زیاد نیست و این جای تأمل دارد. آن طور که در نمودار شماره ۱ نشان دادیم، تنها چهار درصد اشعار کودک در بردارنده چنین مضامینی است؛ در حالی که اهمیت آنها بسیار بیشتر از درونمایه‌های شعری دیگر است. شعر کودک در دهه هفتاد از این جهت بسیار درخور نقد است.

سهم گروه سنی «الف» از این چهار درصد کمتر و میزان اشعار اختصاص یافته به گروه سنی «ج» بیشتر است. نمودار زیر این وضعیت را ترسیم می‌کند:



نمودار ۱۱: فراوانی مضامین تربیتی - اخلاقی در گروههای سنی سه گانه

بر عکس مضامین آموزشی، در این بخش توجه شاعران به گروه سنی «الف» بسیار کمتر است. اگر تقسیم بندی پیاژه را بپذیریم می‌توانیم گفت گروه سنی «الف» به نوعی خاص از گزاره‌های تربیتی - اخلاقی نیاز دارند که بیشتر توسط «مراجع قدرت» (پدر و مادر و معلم و...) تعیین می‌شود و گروههای

سنی بالاتر متناسب با سن خود به نوعی دیگر از گزاره‌های اخلاقی نیازمندند. این نکته‌ای است که مورد توجه شاعران کودک قرار نگرفته است. آنها هم بسیار اندک به این نوع مضامین پرداخته اند و هم به این نکته که ژانر پیازه بیان کرده توجهی نداشته اند. در پایان یکبار دیگر ضرورت توجه دپارتمانهای ادبی را به این شاخه زنده و پویای ادبیات جلب می‌کنیم.

کتابنامه

۱. آقاباری، خسرو؛ *آشنایی با ادبیات کودکان و معیارهای نقد و بررسی کتاب*؛ تهران: سرآمد کاوش، چاپ سوم، بی‌جا، ۱۳۷۵.
۲. آیزنبرگ، نانسی؛ *رفتارهای اجتماعی کودکان*؛ ترجمه بهار ملکی، تهران: ققنوس، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
- ۳- ابراهیمی، جعفر؛ *آب مثل سلام*، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان؛ چاپ اول، تهران، ۱۳۷۲.
۴. _____؛ *باغ سبز شعرها*؛ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۰.
۵. _____؛ *بوی کال یاس*؛ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴.
۶. _____؛ *چیستم من*؛ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸.
۷. احمدی، حسن و بنی جمالی شکوه السادات؛ *روان‌شناسی رشد*؛ پردیس ۵۷ چاپ پانزدهم، تهران، ۱۳۸۴.
۸. احمدی، حسین؛ *صلای سبز*؛ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶.
۹. ایمن، لیلی و دیگران؛ *گذری بر ادبیات کودکان*؛ چاپ سوم، بی‌جا، ۱۳۵۴.
۱۰. بارتو، آگینا؛ *اشعار کودکان در زمان ما*؛ لیلی ایمن (آهی)، تنظیم از معصومه سهرابی، شورای کتاب کودک، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۲.
۱۱. بلالی، رقیه؛ *بخش گفتگو؛ گفتگو از جعفر قربانی*، کتاب ماه کودک و نوجوان، سال سوم، شماره ۱۱، تهران، ۱۳۷۹.
۱۲. جعفر قلیان، طاهره؛ *ادبیات کودکان*؛ دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۷۷.
۱۳. حکیمی، محمود؛ *سخنی درباره ادبیات کودکان و نوجوانان*؛ روشنگران و مطالعات زنان، چاپ چهارم، تهران.
۱۴. حکیمی، محمود و کاموسی، مهدی؛ *مبانی ادبیات کودک و نوجوان*؛ آرون، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۴.
۱۵. خدا دوست، احمد؛ *دنیا چگونه شکل سبب است*؛ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵.
۱۶. خسرو نژاد، مرتضی؛ *معصومیت و تجربه*؛ مرکز، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲.
۱۷. سادات اخوی، سید محمد؛ *مرزشناسی ادبیات دینی*؛ کتاب ماه کودک و نوجوان، سال دوم، شماره ۹، تهران، ۱۳۵۵.
۱۸. سید آبادی، علی اصغر؛ *ادبیات کودک و رویکردهای جدید به دین*؛ پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، سال پنجم، شماره ۱۷، تهران، ۱۳۷۸.
۱۹. _____؛ *در حاشیه شعر*؛ ویژه نشر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰.

۲۰. شارپاترو، ژاک؛ *دوران طلایی شعر؛ لیلی ایمن (آهی)*، تنظیم از معصومه سهرابی، شورای کتاب کودک، چاپ اول، تهران، ۱۳۵۶.
۲۱. شورای کتاب کودک؛ *ملاکهای ارزشیابی کتابهای کودکان و نوجوانان*؛ تنظیم از معصومه سهرابی، شورای کتاب کودک، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۲.
۲۲. دولت آبادی، پروین؛ *گل بادم؛* کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸.
۲۳. رحماندوست، مصطفی؛ *بابا آمد نان آورد؛* کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸.
۲۴. زارعی، احمد؛ *یک قطعه آسمان؛* بی نا، ۱۳۷۵.
۲۵. شعبان نژاد، افسانه؛ *قور و قور و قور، قار و قار و قار؛* کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران، ۱۳۷۷.
۲۶. شعبانی، اسدالله؛ *تاب تاب تاب بازی؛* کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳.
۲۷. _____؛ *جشن جوانه‌ها؛* مدرسه، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۰.
۲۸. _____؛ *ساز من ساز جیرجیرک؛* کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳.
۲۹. _____؛ *هر کسی کاری داره؛* کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶.
۳۰. _____؛ *نسیم دختر یاد؛* کتابهای بنفشه، قدیانی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷.
۳۱. طهوری، مهدی؛ *چکه‌های آواز، تکه‌های مهتاب؛* پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، سال هشتم، شماره ۳۱، تهران، ۱۳۸۱.
- ۳۲- *قرن ایام، ثریا؛ اما و اگرهای ورود ادبیات کودک به دنیای سیاست؛* پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، سال هشتم، شماره ۳۱، تهران، ۱۳۸۱.
۳۳. کاموسی، مهدی؛ *پرسشهای بنیادین در ادبیات کودک؛* کتاب ماه کودک و نوجوان، سال هشتم، شماره ۱۱، تهران، ۱۳۸۴.
۳۴. کشاورز، ناصر؛ *آه بونه؛* کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶.
۳۵. _____؛ *پاییز خانم؛* کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۴.
۳۶. _____؛ *دانه‌ها گنجشکها پروانه‌ها؛* کوچک جنگلی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۰.
۳۷. _____؛ *سیب جان سلام؛* کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸.
۳۸. _____؛ *کلاغ زرد؛* کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۰.
۳۹. کیانوش، محمود؛ *باغ ستاره‌ها؛* کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۰.
۴۰. _____؛ *بچه‌های جهان؛* کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۰.
۴۱. _____؛ *شعر کودک در ایران؛* آگاه، تهران، ۱۳۵۲.
۴۲. لطف الله، داود؛ *قند و پروانه و خواب؛* مدرسه، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۹.

۴۳. ماتسویی، تاداشی؛ *ویرایش کتابهای کودکان؛* امامی، گلی، تنظیم از آتش جعفر نژاد، چاپ آتلیه، شورای کتاب کودک، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۳.
۴۴. ماسن، پاول هنری و دیگران؛ *رشد و شخصیت کودک؛* مهشید یاسایی، مرکز، چاپ اول (ویرایش دوم)، تهران، ۱۳۸۰.
۴۵. مرتضوی کرمانی، علیرضا؛ *ضوابط و اصول نقد کتابهای کودکان و نوجوانان؛* کانون فرهنگ و هنر اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۴.
۴۶. مزینانی، محمد کاظم؛ *تنها انار خندید؛* کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴.
۴۷. محمدی، محمد؛ *تطبیق کیفیت تخیل در افسانه‌های کهن و نو؛* پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، سال سوم، شماره ۱۰، تهران، ۱۳۷۶.
۴۸. _____؛ *ادبیات کودک چیست؛* کتاب ماه کودک و نوجوان، سال سوم، شماره ۹، تهران، ۱۳۷۸.
۴۹. محمدی، محمد هادی؛ *روش شناسی نقد ادبیات کودکان؛* سروش، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸.
۵۰. نجاتی، حسین؛ *نقش تربیتی پدر در خانواده؛* ژرف، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۴.
۵۱. هنر جو، حمید؛ *نماز هوپيما؛* مه‌دا، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸.